


کتابخانه: کتابسرای تندیس آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۷۴، طبقه دوم تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸ وبسایت: www.ketabsarayatandis.com	Dr. Tazband: roman 2017 978-600-182-318-3 ۹۷۸-۶۰۰-۱۸۲-۳۱۸-۳
--	---



کتابسرای تندیس

E-mail: mailto:info@ketabsarayatandis.com
 Website: www.ketabsarayatandis.com
 Instagram: [ketabsarayatandis](https://www.instagram.com/ketabsarayatandis)

Telegram: [ketabsarayatandis](https://www.t.me/ketabsarayatandis)
 WhatsApp: [00293a1218211823183](https://www.whatsapp.com/channel/00293a1218211823183)

پاتوق

نویسنده: روبرت زتالر
مترجم: مهوش خرمی پور

پاتوق
 نویسنده: روبرت زتالر
 مترجم: مهوش خرمی پور
 صفحه‌آرا: اکرم بربناخ
 چاپ اول: بهار ۱۳۹۷
 شابک: ۹۷۸۶۰۰۱۸۲۳۱۸۳
 تیراژ: ۷۷۲۱
 قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

این کتاب به حقوق طبع و نشر محفوظ است. هرگونه کپی‌برداری غیر از مجوز ناشر، ممنوع است. برای اطلاع از جزئیات و شرایط چاپ، به وبسایت کتابسرای تندیس مراجعه کنید.

روبرت زتالر در سال ۱۹۶۶ در شهر وین پایتخت اتریش متولد شد. او یک دوره‌ی هنرپیشگی در شهر وین گذراند و علاوه بر رمان، نمایشنامه و فیلم‌نامه‌های بسیاری هم برای تئاتر، سینما و تلویزیون نوشت. خود او نیز در بیشتر آن‌ها به عنوان هنرپیشه حضور داشت. بیشتر آثار زتالر مورد توجه مردم و جوامع ادبی قرار گرفت و جوایز بسیاری نیز دریافت کرده‌اند.

در یکی از روزهای یکشنبه‌ی اواخر تابستان سال ۱۹۳۷ طوفان سهمگینی
منطقه‌ی زالس کامرگوت را در بر گرفت. غرش‌های پیاپی و شدید طوفان با
زوزه‌ی وحشتناک گردباد در هم آمیخت در منطقه‌ی زالس کامرگوت تا آن روز
بدون بروز حوادث طبیعی همواره آرامش کامل در زندگی اهالی آن منطقه و در
میان آن‌ها فرانس هوکسل حکم‌فرما بود. اما اینک بروز این طوفان ناگهانی و
هولناک فرانس را دچار شوک و بهت‌زدگی کرده بود.

فرانس با شنیدن نخستین صدای رعد احساس خطر کرد و خود را
دوان‌دوان به کلبه‌ی ماهیگیری که محل زندگی‌اش بود، رساند او به بستر رفت
تا در امنیت آن مخفی شود و از آنجا به صداهای عجیب و غریب بیرون گوش
فرا دهد. فرانس و مادرش در دهکده‌ی کوچکی به نام نوس‌دورف در منطقه‌ی
زالس کامرگوت زندگی می‌کردند.

طوفان با خشونت بسیار و شدت فراوان به دو طرف کلبه‌ی او برخورد
می‌کرد و کلبه بر اثر این برخوردها به لرزه در آمده بود. بیرون کلبه الوارها از جا
کنده شدند و به شدت به پنجره‌ها برخورد می‌کردند. این ضربه‌ها سروصدای
هولناکی به راه انداخته بودند. الوارهای خزه‌زده‌ی پشت‌بام یکی پس از دیگری
با شدت به زمین پرتاب می‌شدند.

باد و طوفان، رگبار را به شدت به اطراف می‌پراکند و باران شدید به
پنجره‌ها برخورد می‌کرد. گلدان‌های شمعدانی پشت پنجره در آب باران غرق